

## دست‌آوردهای سه دهه تلاش

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۴

تاریخ تأیید: ۸۷/۱۲/۱۸

محسن مرادیان\*

این گزارش به بررسی عملکرد سی ساله جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. هدف از تهیه این گزارش، ارائه چشم‌اندازی از تحولات پس از انقلاب و مقایسه وضع موجود با وضعیت قبل از انقلاب است. از آن جا که فاکتورهای انسانی و اقتصادی در این بررسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند، بنابراین، شاخص‌های توسعه انسانی و نیز شاخص‌های مهم اقتصادی، نظیر تولید ناخالص داخلی و تورم و روند آنها و نیز توان نظامی کشور مورد مذاقه و توجه قرار گرفته است. این گزارش، پس از ارزیابی کارنامه ج.ا.ا تلاش دارد تا عوامل مؤثر بر قضاوت مردم در خصوص کارآمدی نظام را برشمرده و دلایل این قضاوت‌ها را تبیین نماید.

**واژه‌های کلیدی:** جمهوری اسلامی ایران، کارآمدی، رشد اقتصادی، قدرت نظامی.

ارائه کارنامه قابل قبول از فعالیت‌ها و ثمرات یک نظام سیاسی نوین پس از یک انقلاب گسترده و بنیادین، آن هم با گذشت سه دهه از تأسیس آن و با وجود برهه‌های طولانی جنگ و بحران در این مدت، کار آسانی نیست. چرا که کلی‌گویی و شعارپردازی نه تنها به نظام و انقلاب اسلامی کمک نمی‌کند، بلکه باعث بازتاب منفی در مخاطبین شده و بارزترین دست‌آوردهای ارزنده آن را هم از چشم می‌اندازد. از این رو، اکنون زمان است که می‌بایست تحقیقات مستدل علمی و آماری با دیدی منصفانه و بی‌طرف به ارزیابی دست‌آوردهای انقلاب بپردازد تا مهم‌ترین نمود توفیقات نظام - که نشان‌گر کارآمدی آنست - معلوم گردد. بر اساس این تحلیل، دست‌آوردهای انقلاب اسلامی از حیث کارآمدی نظام جمهوری اسلامی، با همه گوشه‌ها و زاویه‌های آن، گام مهمی در ارائه فضای روشن ذهنی به عموم مردم، به ویژه فرهیختگان و نخبگان فرهنگی خواهد بود.

بی‌تردید میان صحت و اتقان یک اندیشه اجتماعی و کارایی و توانایی نظام اجتماعی برآمده از آن در پاسخ‌گویی به مسائل و مشکلات جامعه، رابطه مستقیمی وجود دارد. از سوی دیگر، کارآمدی یا ناکارآمدی کارگزاران یک نظام در اجرای اهداف و آرمان‌های آن، می‌تواند در کارآمدی یا ناکارآمدی به نظر آمدن آن نظام و به تبع، درست یا نادرست به‌نظر رسیدن آن اندیشه اجتماعی، تأثیر مثبت یا منفی برجای گذارد. به هر حال، این تناسب و ارتباط میان سه مقوله اندیشه، نظام و کارگزاران آن به‌گونه‌ای است که تفکیک میان آنها خصوصاً در برابر منتقدان، میسر به‌نظر نمی‌رسد. از این رو، دفاع از یک اندیشه متعالی یا نظام سیاسی متقن، زمانی امکان‌پذیر است که آن اندیشه یا نظام و کارگزاران آن در مقام عمل، درستی، توان‌مندی، کارایی، کارآمدی و اثربخشی خود را به اثبات رسانیده باشند. نظام جمهوری اسلامی به عنوان ثمره عملی انقلاب اسلامی نیز از این قاعده، مستثنا نیست. بدیهی است بروز مجموعه‌ای از مشکلات در سال‌های پس از انقلاب که بخش عمده‌ای از آنها معلول عوامل اجتناب‌ناپذیری همچون محاصره و فشارهای اقتصادی غرب به خصوص امریکا، جنگ تحمیلی، کاهش تولید، صدور و قیمت نفت، افزایش جمعیت کشور، تغییر الگوی مصرف جامعه، تورم جهانی، ساختارهای نامناسب



اجتماعی و اقتصادی و بسیاری از عوامل دیگر بوده است، زمینه‌ساز القای اندیشه ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی در اذهان بوده باشد.

این گزارش به بررسی کلی ابعاد مختلف کارنامه نظام جمهوری اسلامی می‌پردازد و مبنای ارزیابی و بررسی در آن، میزان دستیابی نظام به اهداف توسعه<sup>۱</sup> همه‌جانبه بر اساس برخی معیارها و شاخص‌های متعارف و بومی (انسانی، اسلامی و ایرانی) توسعه‌یافتگی می‌باشد.

### بهبود وضع اقتصادی مردم

برخی معتقدند با این که سه دهه از عمر انقلاب اسلامی می‌گذرد، فقر و نابرابری، همچنان از موضوعات اصلی منازعات به شمار رفته و نارضایتی‌های اقتصادی را به گسترش فقر و نابرابری نسبت می‌دهند. اما استفاده از داده‌های حاصل از پیمایش خانوار و روند تغییرات فقر و نابرابری در طول سه دهه گذشته نشان می‌دهد که این عقیده، ریشه در واقعیت ندارد. شواهد نشان می‌دهند که فقر در ایران در طول سال‌های اخیر به طور قابل توجهی کاهش یافته و در مقایسه با استانداردهای جهانی و شرایط پیش از انقلاب، در سطح پایین‌تری قرار دارد.

درست پس از پیروزی انقلاب، نابرابری به طور معناداری کاهش یافت. ولی در طول ۱۵ سال بعد از آن تقریباً ثابت ماند. قابل توجه، آن که در طول ۵ سال منتهی به سال ۱۳۸۴، میزان فقر در جامعه پایین آمد و کاهش محسوسی در نابرابری به‌وقوع پیوست. افزایش رفاه طبقه فقیر در طول این دوره در بهبود دستیابی به خدمات اساسی همچون برق و آب سالم و همچنین لوازم خانگی، مشهود است. شکاف بزرگ میان شواهد، نشان از بهبود سطح رفاه فقیران دارد.

شواهد نشان می‌دهند که فقر در مقایسه با سال‌های آخر پیش از انقلاب به طور قابل توجهی کاهش یافته و مهم، آن که بخش اعظم این کاهش در ۱۵ سال اخیر رخ داده



است. میزان فقر<sup>۱</sup> (به معنای «نسبت افراد دارای کمتر از ۲ دلار درآمد در روز») در چند سال گذشته، تک رقمی بوده، که با توجه به استاندارد کشورهای در حال توسعه، کاملاً پایین و نیز یک هشتم این میزان در پیش از انقلاب است. نابرابری، بلافاصله پس از انقلاب کاهش یافت. اما در طول دو دهه گذشته در سطح ثابتی باقی ماند. جالب آن که سیاست‌های اقتصادی دهه ۱۳۶۰ در محافظت از فقیران در برابر صدمات ناشی از جنگ و سقوط درآمد نفت، ناکام بود. وضعیت فقر و نابرابری هر دو در دهه ۱۳۶۰ وخیم‌تر شد. اما بیشترین بهبود در کیفیت زندگی فقیران در دستیابی آنها به خدمات پایه، نظیر برق و آب سالم صورت گرفت. بهبودهای مزبور در رفاه، متناظر با بهبودهایی است که در نتیجه اقدامات انجام شده در زمینه‌های سلامت، کشاورزی، باروری، و آموزش صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

تغییر اولویت‌ها و سیاست‌ها در سه دهه گذشته باعث شده است که توضیح علت بهبود وضعیت طبقه فقیر برای محققان مشکل باشد. بی‌گمان، انقلاب اسلامی در این بهبود، نقش داشته است. وقوع انقلاب در سال ۱۳۵۷ توانست روابط اجتماعی و اقتصادی موجود را به هم بریزد. مصادره و ملی‌سازی به نفع طبقه فقیر، چنان حجم گسترده‌ای داشت که می‌توان تحولات سال ۱۳۵۷ را یک انقلاب اقتصادی نامید. سیاست‌های حمایت از طبقه فقیر، مانند برق‌رسانی به روستاها و سهمیه بندی طیف وسیعی از کالاهای مصرفی در دهه اول انقلاب دنبال شد. مساعدت مستقیم به فقرا از طریق شبکه‌ای از مؤسسات خیریه نیمه دولتی که بزرگ‌ترین آنها کمیته امداد می‌باشد، نیز بر کاهش فقر تأثیر داشته است.<sup>۲</sup> شاید مستمترین تأثیر انقلاب، سوق دادن قرارداد اجتماعی ایرانی به سمت نوعی قرارداد اجتماعی خاورمیانه‌ای خاص، موسوم به «قرارداد اجتماعی مداخله‌گرا- توزیعی» بوده باشد.

در این تحقیق از داده‌های حاصل از پیمایش وسیع هزینه‌های افراد و خانوارها در طول یک دوره ۳۰ ساله استفاده شده است که از پیش از انقلاب تا سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴) را در بر می‌گیرد. مقالات و منابع اندکی درباره فقر و توزیع درآمد در ایران موجود است. اما

i. Poverty Rate

هیچ یک از همین تعداد اندک نیز ۱۰ سال پایانی را پوشش نمی‌دهند. توزیع درآمد در دهه ۱۳۵۰<sup>۳</sup> و نیز دهه ۱۳۶۰ تحلیل شده است. تغییرات فقر از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۲ هم تحلیل شده، ولی بر اساس اطلاعات موجود، هیچ مطالعه‌ای درباره گستره فقر پیش از انقلاب انجام نشده است. دولت که داده‌های بسیاری - از جمله داده‌های استفاده شده در این مطالعه - را جمع‌آوری و منتشر می‌کند، خودش فقر را به صورت نظام‌دار (سیستمیک) سنجش و ردیابی نکرده و تنها اخیراً شروع به اعلام رسمی خط فقر نموده است. در نتیجه، ارقام متفاوتی به عنوان میزان فقر در داخل و خارج ایران ذکر شده‌اند و این وضع، مانع از درگرفتن بحثی مفید در این باره در ایران بوده است.<sup>۴</sup>

### مقایسه بین‌المللی فقر و نابرابری

به نظر می‌رسد تغییرات شدید اقتصادی در طول سی سال گذشته، موقعیت طبقه فقیر ایران را آبرومندتر از دیگر کشورهای در حال توسعه ساخته است. مقایسه سطح فقر، مشکل‌تر از نابرابری است؛ چرا که هیچ راه واحدی برای مقایسه استانداردهای زندگی و در نتیجه، آستانه خط فقر در کشورها وجود ندارد. گزارش‌های مربوط به میزان فقر در ایران، (بخشی از جامعه که در فقر زندگی می‌کنند) به شدت متفاوت است؛ چرا که نویسندگان و مؤسسات مختلف، سطوح متفاوتی از فقر را به عنوان خط فقر تعریف کرده‌اند. برای مثال، سازمان ملل<sup>۵</sup> گزارش می‌دهد که در سال ۱۳۸۲ نزدیک به ۲۰٪ از مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کردند. این برآورد بر اساس تعریف این سازمان از خط فقر معتبر است. آنان خط فقر در ایران را برابر ۲۸۸۰۰ ریال (۳,۳۶۶ دلار) برای هر فرد در روز در نظر گرفته‌اند که کمی بیشتر از مقیاس ۱ یا ۲ دلار در روز برای هر نفر است که معمولاً در مقایسه‌های بین‌المللی استفاده می‌شود (USD2). بانک جهانی در سال ۱۳۸۴ گزارش فقر و نابرابری را در چند کشور از جمله ایران منتشر نمود. این گزارش مبتنی بر معیار ۱ و ۲ دلار درآمد روزانه برای هر فرد می‌باشد. جدول شماره ۱ وضعیت فقر و نابرابری را در ایران با تعدادی از کشورهای مشابه مقایسه می‌کند: مصر و ترکیه (دو کشور بزرگ دیگر خاورمیانه)؛ مکزیک و ونزوئلا (دو کشور صادرکننده نفت در امریکای لاتین)؛ چین، هند و پاکستان

(کشورهایی فقیرتر، اما با رشد سریع‌تر در آسیا)؛ و مالزی (کشور مسلمان پیشرفته با اقتصاد پویا). این داده‌ها مربوط به سال‌های ۱۳۶۸ (۱۹۸۸) تا ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) می‌باشند. بر اساس این اطلاعات می‌توان وضع فقر در ایران را با کشورهای مذکور مقایسه کرد. نسبت افراد دارای درآمد کمتر از ۲ دلار در روز، در ایران کمتر از این نسبت در مالزی، مکزیک، و ترکیه می‌باشد. این در حالی است که درآمد متوسط در این کشورها برابر یا بیشتر از ایران است. همان‌طور که انتظار می‌رود، میزان فقر در ایران از چین، مصر، هند و پاکستان هم که کشورهای فقیرتر از ایران به‌شمار می‌روند، به مراتب کمتر است. از جهت نابرابری - بر اساس شاخص جینی<sup>۱</sup> - ایران در این گروه مقام متوسط (۰,۴۳) را دارد. در کشورهای فقیرتر، یعنی هند، مصر و پاکستان، نابرابری کمتر از ایران (۰,۳۵۰ - ۰,۳۰۵) است. اما شاخص جینی ایران، کمتر از کشورهای دارای درآمد مشابه، یعنی مکزیک (۰,۵۴) و مالزی (۰,۴۹) است و در این میان، فقط ترکیه (۰,۴) استثناست. خلاصه، این که بر اساس استانداردهای این گروه از کشورهای در حال توسعه، پس از دوره بی‌نظمی بعد از انقلاب، میزان فقر در ایران پایین و نابرابری در حدود متوسط می‌باشد.

Table 1: International comparison of poverty and inequality

Country	GDP PC in 2003	Poverty rate % under \$2	Gini index
Iran	6608	7.2 (1998)	43.0 (1998)
Egypt	3731	43.9 (1999)	34.4 (2000)
Turkey	6398	10.3 (2000)	40.0 (2000)
China	4726	50.1 (1999)	44.7 (2001)
India	2732	80.6 (1999)	32.5 (2000)
Pakistan	1981	65.6 (1998)	33.0 (1999)
Venezuela	4647	30.6 (1998)	49.1 (1998)
Mexico	8661	26.3 (2000)	54.6 (2000)
Malaysia	8986	9.3 (1997)	49.2 (1997)

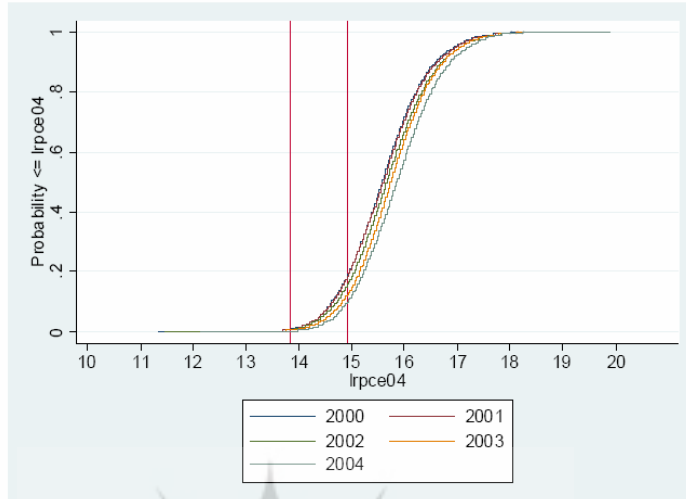
جدول شماره ۱: مقایسه بین‌المللی فقر و نابرابری<sup>۱</sup>

### روند فقر

سنجش تغییرات فقر، کمتر از اندازه‌گیری آن برای یک سال مشخص، بحث برانگیز

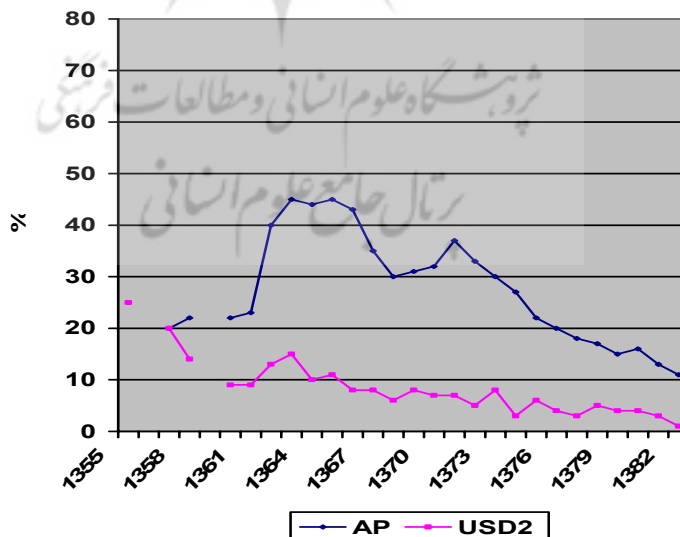
است. تمامی شاخصهای فقر مبتنی بر پیمایش‌های «هزینه و درآمد خانوار» روند مشابهی را نشان می‌دهند. خوشبختانه اختلاف میان تحلیل‌گران اقتصادی در مسئله پژوهش پیرامون تغییرات فقر در اجتماع، نسبت به سنجش میزان فقر، کمتر است. در نتیجه، هر خط فقری که در سال‌های مورد نظر، معیار قرار داده شود، نتیجه مشابهی در سنجش تغییرات فقر در جامعه به دست می‌دهد. برای مشاهده این نکته، «توزیع هزینه‌های سرانه» را در سال‌های اخیر که دوره رشد اقتصادی بوده، در نمودار شماره ۱ ملاحظه می‌کنید. خطوط فقر عمودی، میزان فقر را به صورت ارتفاع توابع توزیع نشان می‌دهند. این ارتفاع، نسبت افرادی است که هزینه آنها زیر خط فقر است. چنان که مشاهده می‌شود، توابع توزیع با یکدیگر تداخل نداشته و تابع هر سال در سمت راست تابع سال قبل قرار گرفته است. این به معنای آن است که صرف‌نظر از مکان خط فقر، میزان فقر در طول زمان کاهش یافته است. این نمودار، همچنین نشان می‌دهد که نسبت جمعیت زیر خط فقر برای توصیف روند فقر، کافی می‌باشد. شاخص‌های پیچیده‌تر، نظیر شاخص شکاف فقر که نسبت به عمق فقر و تغییرات نیمه پایینی توزیع، حساس‌تر هستند و در نتیجه بر روش پیش‌گفته ترجیح دارند، داستان مشابهی درباره تغییرات فقر در طول زمان بیان می‌کنند. این تشابه به دلیل شکل تابع توزیع هزینه‌ها در نیمه پایین است که در طول زمان نسبتاً ثابت باقی مانده است.

Figure 3: Cumulative distribution of real per capita expenditures, 2000-04



نمودار شماره ۲: توزیع تجمعی هزینه سرانه در سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۰  
 نمودارهای زیر نیز نشان دهنده نسبت افراد زیر خط فقر بر اساس تعریف‌های متفاوت  
 خط فقر می‌باشند. روندها در هر دو نمودار به نحو مشابهی نشان می‌دهند که فقر در ابتدا  
 بلافاصله پس از انقلاب کاهش یافته، اما در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ با سرعت، افزایش و  
 سپس بار دیگر کاهش یافته است.

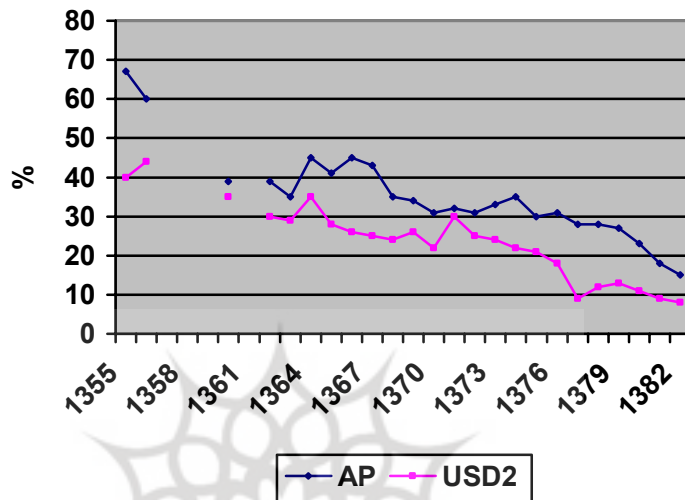
نسبت افراد زیر خط فقر در مناطق شهری





نمودار شماره ۳: نسبت افراد زیر خط فقر در مناطق شهری در سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۳<sup>۷</sup>

نسبت افراد زیر خط فقر در مناطق روستایی



نمودار شماره ۴: نسبت افراد زیر خط فقر در مناطق روستایی در سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۳<sup>۸</sup>

میزان فقر در نیمه دهه ۱۳۶۰ با کاهش شدید درآمدها در نتیجه شدت گرفتن جنگ ایران و عراق و سقوط قیمت نفت، به سرعت افزایش یافت. بر اساس خط فقر اسدزاده-پل (AP)، میزان فقر در مناطق روستایی در سال ۱۳۶۷ به ۴۷٪ درصد و در مناطق شهری در سال ۱۳۶۸ به ۴۰٪ درصد رسید. سیستم گسترده سهمیه بندی که می خواست طبقه فقیر را از اثرات ناشی از افزایش قیمت‌ها و قحطی، نجات دهد، در نتیجه کاهش شدید منابع، نتوانست مانع از تشدید فقر شود. در طول سال های جنگ، دولت، سیستم سهمیه بندی گسترده ای را برای کالاهای اساسی بنیان گذاشت که دامنه آن به صورت غیر رسمی تا بسیاری از لوازم خانگی همچون یخچال و حتی مصالح ساختمانی هم توسعه یافت. یک دلیل احتمالی برای افزایش سطح فقر در نیمه دهه ۱۳۶۰ می تواند شتاب‌گیری تورم باشد که از ۷٪ در سال ۱۳۶۴ به ۲۴٪ در سال ۱۳۶۵ رسید و خط فقر را بالا برد. دلیل دیگر، این است که در نتیجه تمرکز کشور بر جنگ، ارائه خدمات به طبقه فقیر، هنوز اولویت محسوب نمی شد. ارائه خدمات اساسی نظیر جاده، برق و بهداشت به مناطق



روستایی تا پایان جنگ تحقق واقعی پیدا نکرد.<sup>۹</sup>

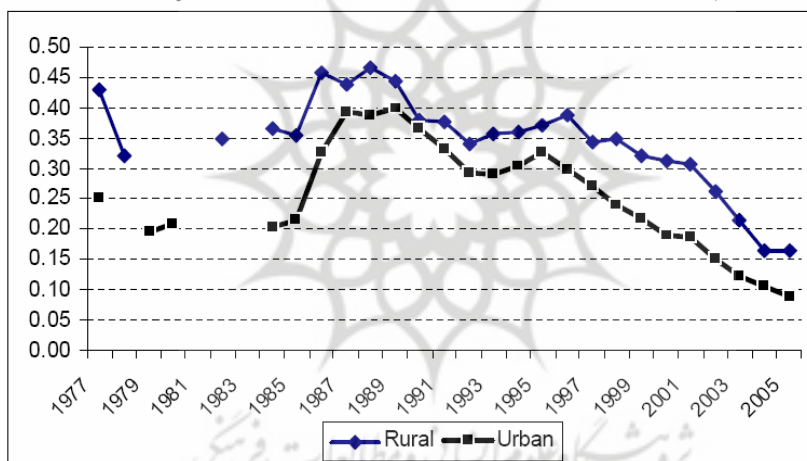
با پایان جنگ در مرداد ۱۳۶۷ (جولای ۱۹۸۸)، افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی در طول جنگ اول خلیج فارس در سال های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰ و آغاز بازسازی کشور در سال ۱۳۶۸، فقر شروع به کاهش نمود و در سال ۱۳۷۲ به یک چهارم رسید. این کاهش در نیمه دهه ۱۳۷۰ در نتیجه بحران اقتصادی ناشی از استقراض خارجی موقتاً متوقف شد. اما به زودی روند کاهشی خود را بازیافت تا این که در سال ۱۳۸۳ تک رقمی شد. بر اساس خط فقر ۲ دلار در روز در سال ۱۳۸۳ تنها یک درصد از افراد شهری و ۷٪ افراد روستایی فقیر بودند. این میزان بر اساس خط فقر اسدزاده-پل (که بالاتر یعنی ۳.۳ دلار در روز برای هر فرد است) به ترتیب ۱۱ و ۱۷ درصد می باشد. به این ترتیب در سال ۱۳۸۳ بر اساس خط فقر اسدزاده-پل، ۸.۸ میلیون نفر و مطابق خط فقر بین المللی (که پایین تر، یعنی ۲ دلار در روز برای هر فرد است) تنها ۲ میلیون نفر فقیر بوده اند.<sup>۱۰</sup> تفاوت زیاد فقر در سال ۱۳۵۵ با سال ۱۳۸۳ نشان دهنده آن است که انقلاب، تأثیر عمیقی بر رفاه فقیرترین خانواده های ایرانی (دهک های پایین جامعه) داشته است. از آن جا که درآمد سرانه در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۸۳ تقریباً برابر بوده، پایین تر بودن میزان فقر می بایست در نتیجه کاهش قابل توجه نابرابری، حداقل در انتهای منحنی توزیع باشد. نابرابری کلی از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۳ کاهش یافته، اما ثبات بیشتری نسبت به فقر داشته است. تا آن جا که کاهش فقر به سیاست های حمایت از فقرا و روستاییان در دوران پس از انقلاب ربط پیدا کرده؛ در نتیجه، حکومت اسلامی از حمایت عمومی برخوردار می باشد. در دهه های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ کیفیت زندگی میلیون ها نفر به خصوص در مناطق روستایی، در نتیجه صرف هزینه های گسترده در برق رسانی روستایی، بهداشت روستایی، طرح های تنظیم خانواده و آموزش، بهبود یافته است. خرید کالاهای کشاورزی با قیمت های حمایت شده در دوران پس از جنگ، به افزایش درآمد کشاورزان کمک کرده و یارانه کالاهای اساسی نیز از فقیران در مناطق روستایی و شهری حمایت نموده است.<sup>۱۱</sup>

نتایج مزبور این عقیده که سیاست های حمایت از بازار، طبقه فقیر را به فراموشی سپرده، زیر سؤال می برد. بیشتر منتقدان، افزایش فقر در نیمه دهه ۱۳۷۰ را شاهی می گیرند بر این که اصلاحات بازار (که اغلب تعدیل ساختاری خوانده می شود) علیه طبقه فقیر بوده است. اما فقر در سال های ۱۳۷۳-۱۳۷۸ در واقع، کم شد و تنها با در جا زدن اصلاحات بازار- که تا حدودی نتیجه بحران استقراض خارجی در ۱۳۷۲ بود- افزایش

یافت. درآمدهای نفتی در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ افت پیدا کرد (قیمت نفت در ۱۳۷۷ یک سوم قیمت سال ۱۳۷۰ بود) و مهم‌تر از آن این که واردات کالا جهت مقابله با بحران پرداخت‌ها به نصف کاهش یافت.<sup>۱۲</sup>

لازم به یادآوری است که سقوط میزان فقر مطلق، لزوماً نمایان‌گر آن نیست که تعداد افرادی که احساس فقر می‌کنند، در طول زمان کاهش یافته است؛ زیرا احساس فقر، امری نسبی است. بنابراین، صرف این که افراد از دیگران عقب می‌افتند، ممکن است با وجود افزایش مطلق درآمدها، در آنها احساس زیان را تقویت کند. همچنین اگر انتظارات افراد افزایش یافته باشد، ممکن است متوجه کاهش فقر خود نشوند. به همین دلیل است که خطوط فقر مطلق، در طول زمان، بازیابی و افزایش داده می‌شوند و باز به همین دلیل است که کشورهای ثروتمند، خطوط فقر مطلق بالاتری دارند.

Figure 3: Poverty rates before and after the Revolution, 1977-2005



نمودار شماره ۵: مقایسه تغییرات خط فقر در مناطق شهری و روستایی قبل و بعد از انقلاب<sup>۱۳</sup>

### نابرابری

اما فقر، تنها نیمی از توضیح دوگانگی است که در مورد وضعیت اقتصادی مردم داده می‌شود. بخش دیگر، افزایش نابرابری است؛ زیرا سیاست‌های منجر به کاهش فقر، الزاماً منجر به کاهش نابرابری نمی‌شوند. در این جا تحولات نابرابری در سه دهه گذشته با استفاده از دو استاندارد اندازه‌گیری نابرابری، یعنی شاخص جینی و سهم نسبی دهک بالا



به دهک پایین جامعه بررسی شده است. سنجه های مزبور برای نابرابری در سطح خانوار، تنها در دهه ۱۳۶۰ موجود بوده؛ از این رو، در مقایسه پیش و پس از انقلاب، با داده های مربوط به سطح خانوار سر و کار داریم. برای سال های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳ که داده های لازم موجود است، می توان سنجه های نابرابری را در سطح فردی نیز - که ارجح است - ارائه نمود.

یافته ها نشان می دهند که موفقیت جمهوری اسلامی ایران در کاهش فقر، به نابرابری تسری نمی یابد. کاهش فقر با آن که دست آورد مهمی بوده، اما با توجه به افزایش قیمت نفت، شگفت آور نیست. اما کاهش نابرابری، وضعیت پیچیده تری دارد؛ چرا که وضعیت نابرابری ممکن است هنگام رشد، وخیم تر شود. مانند دهه ۱۳۵۰ که به نظر می رسد عایدات نفتی بیشتر به جیب طبقه ثروتمند می رود، از سال ۱۳۶۲ نابرابری تقریباً ثابت بوده است. جهش نفتی سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ برخلاف جهش نفتی دهه ۱۳۵۰، نابرابری را تا حدودی کاهش داد و این با دیدگاه رایج بسیاری از افراد مغایرت دارد.<sup>۱۴</sup>

بزرگ ترین تغییر در توزیع درآمد در سال های پایانی پیش از انقلاب، هنگام جهش نفتی سال ۱۳۵۳ دیده می شود. بین سال های ۱۳۵۰ و ۱۳۵۵ شاخص جینی از ۰,۴ به ۰,۵، در نواحی شهری و ۰,۳۷ تا ۰,۴۴، در نواحی روستایی افزایش یافته است. بلافاصله پس از انقلاب شاخص جینی تا ۰,۴ برای نواحی شهری و روستایی کاهش یافت.<sup>۱۵</sup> اما در دهه ۱۳۶۰ بار دیگر به آرامی افزایش یافت. تغییرات مزبور در نابرابری، مشابه فراز و فرود فقر در دهه ۱۳۶۰ می باشد. از زمان پایان جنگ با عراق تاکنون نابرابری در سطح خانوار نسبتاً ثابت مانده است. نابرابری شهری که پیش از انقلاب، بیشتر از نابرابری روستایی بود، در ۲۰ سال گذشته، کمتر از نابرابری روستایی شده است. بر خلاف جهش نفتی دهه ۱۳۵۰ که نابرابری را بیشتر کرد، رشد ناشی از تزریق پول نفت در سال های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳، میزان نابرابری را تغییر نداد و حتی شاید بتوان گفت آن را کاهش هم داد.<sup>۱۶</sup>

### دسترسی به خدمات و لوازم خانگی

بهبود استانداردهای زندگی را تنها تا حدودی می توان در تغییر درآمدها و هزینه های خانوار دید. تغییر جهت هزینه کرد دولت که بر مناطق روستایی و فقیرتر متمرکز شد، در هیچ یک از این دو (درآمدها و هزینه های خانوار) منعکس نمی شود. این هزینه کرد،

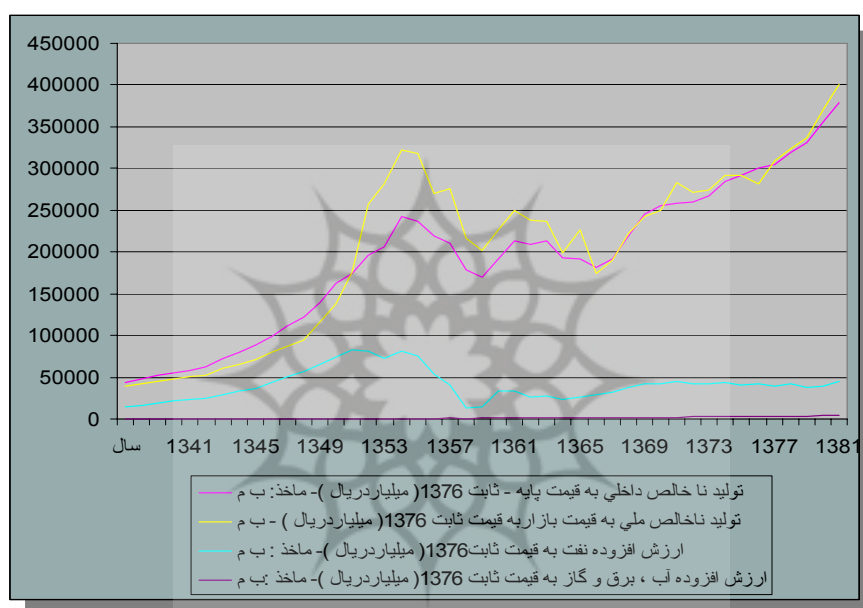
دسترسی مناطق فقیر، خصوصاً روستاها به خدمات اساسی نظیر برق، آب لوله کشی، و گاز طبیعی را افزایش داد. بهای این خدمات به طور کامل در درآمد و هزینه خانوار منعکس نمی‌شود. به این دلیل که یارانه زیادی به آنها تعلق می‌گیرد. اثر افزایش دسترسی به آب و برق روی کیفیت زندگی مردم تا حدودی در برخورداری آنها از لوازم خانگی منعکس شده است. در این جا نشان داده می‌شود که داشتن لوازم خانگی برقی همانند یخچال و تلویزیون حتی در کم هزینه ترین (یعنی فقیرترین) پنجک<sup>۱</sup> جامعه نیز افزایش یافته است. بر اساس این شاخص‌ها طی سال‌های بعد از انقلاب، افزایش قابل توجهی در دسترسی به خدمات اساسی و لوازم خانگی رخ داده است. با وجود گسترش شهرنشینی که اغلب به افزایش اجاره نشینی منجر می‌شود، مالکیت مسکن همچنان بالا باقی مانده و مساحت سرانه خانه‌ها افزایش یافته است. شکاف شهری- روستایی در دسترسی به خدمات اساسی کمتر شده که بر خلاف جهت هزینه‌های سرانه بوده و در نهایت، شکاف رفاهی میان مناطق روستایی و شهری را کمرنگ کرده است. برنامه گسترده برق رسانی به روستاها، دسترسی خانوارهای روستایی به برق را به شدت افزایش داده است. این تغییر، دلیل سایر پیشرفت‌های ثبت شده در دسترسی افراد به لوازم خانگی می‌باشد. برای مثال، داشتن یخچال و تلویزیون در مناطق روستایی افزایش قابل توجهی یافته است.

دسترسی به آب لوله کشی در مناطق روستایی نیز افزایش یافته است که با توجه به پراکندگی وسیع خانواده‌های روستایی، دست‌آورد چشمگیری محسوب می‌شود. ارائه گاز طبیعی لوله کشی شده ارزان به خانه‌های مسکونی که به طور جدی پس از انقلاب آغاز شد، هم اکنون در ۸۰ درصد خانه‌های شهری محقق شده است. پراکندگی جغرافیایی خانواده‌های روستایی تسری چنین خدماتی را به آنها بسیار هزینه بر نموده است. در نتیجه، از میان آنها تنها ۱۴٫۱ درصد به گاز طبیعی لوله کشی دسترسی دارند.<sup>۱۷</sup>

با توجه به آن چه گفته شد می‌توان ادعا نمود مقایسه رفاه اقتصادی طبقه فقیر در دوره‌های پیش و پس از انقلاب، نشان دهنده بهبود کلی آن می‌باشد. در این دوره، فقر به صورت گسترده‌ای کاهش یافته و نابرابری نیز تشدید نشده است. افول اقتصادی دهه اول انقلاب با رشد اقتصادی ۱۵ سال گذشته جبران شده و درآمد متوسط مردم به سطح پیش از انقلاب بازگشته است. ولی برای طبقه فقیر بهبود وضع اقتصادی فراتر از صرفاً بازگشت به استانداردهای زندگی پیش از انقلاب می‌باشد. آنها بهبودهایی را از جهت درآمد، هزینه

i. quintile, 20%

و دسترسی به خدمات اساسی تجربه کرده اند. خدمات اساسی که توسط دولت فراهم شده، نظیر برق و آب سالم، این امکان را برای طبقه فقیر فراهم نموده است تا لوازم خانگی مورد نیاز خود را داشته باشد و همین طور سبب شده که خدمات بهداشت عمومی و تنظیم خانواده به خانوارهای فقیر شهری و روستایی نیز برسد. هزینه در زمینه بهداشت عمومی منجر به کاهش قابل توجه مرگ و میر نوزادان و میزان باروری خانوارها شده است.<sup>۱۸</sup>



نمودار شماره ۶: شاخص‌های کلان اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۳۸ الی ۱۳۸۲

### ارزیابی کارنامه نظام ج.ا.ا بر اساس شاخص‌های توسعه‌یافتگی

علی‌رغم وقوع جنگ تحمیلی و موانع دیگر در سال‌های پس از انقلاب، شاخص‌ها حکایت از رشد و توسعه کشور در بسیاری از زمینه‌ها و ابعاد دارند که در این جا برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود، لکن قبل از آن باید به این نکته توجه کنیم که به دلیل حاکمیت شرایط بحرانی و جنگی در دهه اول انقلاب، دوره سازندگی و توسعه کشور، در حقیقت، پس از جنگ شروع شده است. به همین دلیل، سعی شده تا اکثر موارد و شواهدی که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود، مربوط به بعد از سال ۱۳۶۸ باشند:

- یکی از شاخص‌های متعارف توسعه‌یافتگی، کاهش نرخ مرگ و میر کودکان است.

مرگ کودکان زیر یک سال در یک هزار تولد زنده<sup>i</sup> از ۱۱۱ نفر در سال ۱۳۵۶ به حدود ۲۶ نفر در سال ۱۳۸۱ رسیده است.<sup>۱۹</sup> به عبارت دیگر ۴ برابر، کاهش داشته است؛ به همین جهت، سازمان بهداشت جهانی، دوبار ایران را به عنوان موفق ترین کشور جهان در کاهش نرخ مرگ و میر کودکان مورد<sup>۲۰</sup> تقدیر قرار داده است.

• کاهش مرگ و میر مادران ناشی از عوارض باروری<sup>ii</sup> از ۲۳۷ نفر در هر ۱۰۰ هزار تولد زنده در سال ۱۳۵۵ به حدود ۳۷ نفر در سال ۱۳۸۰ رسیده<sup>۲۱</sup> یعنی ۶/۵ برابر کاهش یافته است.

• از دیگر شاخص‌ها، افزایش سن امید به زندگی است. بر اساس اعلام مراکز رسمی کشور، سن امید به زندگی در ایران طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ حدود ده سال افزایش یافته، یعنی در مورد مردان از حدود ۵۸ به ۶۸ سال و در مورد زنان از ۶۰ به ۷۰ سال ارتقا یافته است.<sup>۲۲</sup>

• موفقیت و دست‌یابی هرساله دانش آموزان ایرانی به مقامات جهانی در المپیادهای علمی در رشته‌های مختلفی همچون فیزیک، ریاضی، شیمی، کامپیوتر و... در رقابت با کشورهای پیشرفته، یکی دیگر از شواهد رشد و توسعه علمی کشور در سال‌های پس از انقلاب است.

• طی دهه اخیر، مرکز فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) چندین بار ایران را به عنوان یکی از موفق ترین کشورهای جهان در مبارزه با بی سوادی معرفی کرده است.

• رشد کمی دانشجویان کشور، یکی دیگر از شاخص‌های توسعه علمی در سال‌های پس از انقلاب است. در حالی که تعداد دانشجویان دانشگاه‌های کشور قبل از انقلاب از مرز ۱۵۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد، امروزه این تعداد به حدود یک میلیون و هشتصد هزار نفر بالغ شده است.<sup>۲۳</sup>

• در خصوص رشد کیفی دانشگاه‌ها نیز باید یادآور شد در حالی که در سال تحصیلی ۵۹ - ۱۳۵۸ تعداد دانشجویان دوره‌های دکتری ۴۵۲ نفر بود، این عدد در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۳۸۰ به بیش از ۱۲ هزار نفر رسیده است. به عبارت دیگر، میزان رشد دانشجویان مقطع دکتری در این دوره ۲۶/۵ برابر شده است.<sup>۲۴</sup>

• بر اساس گزارش ISI (موسسه بین‌المللی اطلاعات علمی) تعداد مقالات علمی



چاپ شده محققان ایرانی در مجلات معتبر بین‌المللی در طول سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ میلادی، ۶۰۰ درصد رشد داشته که این میزان ۳ برابر متوسط رشد جهانی در این دوره بوده است.<sup>۲۵</sup>

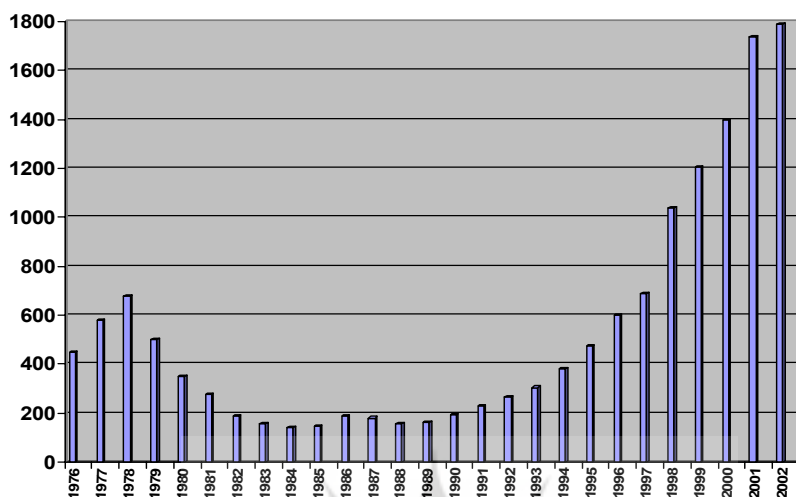
بررسی تولیدات علمی در سال ۲۰۰۳ در پایگاه‌های ISI نشان می‌دهد در این سال، ایران با ۳۳۲۶ رکورد علمی ثبت شده، در این پایگاه‌ها حضور داشته است. در سطح گروه‌ها و رشته‌های تحصیلی، تولیدات علمی ایران در پنج گروه تحصیلی و ۱۴۸ رشته تحصیلی قرار گرفته است. در بین گروه‌های تحصیلی، گروه علوم پایه ۴۸,۴ درصد، گروه علوم پزشکی ۲۴,۶ درصد، گروه فنی و مهندسی ۱۹,۲ درصد، گروه کشاورزی و دامپزشکی ۵,۳ درصد و گروه علوم انسانی ۲,۵ درصد از تولیدات علمی ایران را به خود اختصاص داده‌اند.<sup>۲۶</sup>

وضعیت تولید علمی در هر یک از رشته‌های تحصیلی، نشان می‌دهد در گروه علوم پایه، رشته شیمی آلی، در گروه علوم پزشکی، رشته داروشناسی و داروسازی، در گروه فنی و مهندسی، رشته مهندسی برق و الکترونیک، در گروه کشاورزی و دامپزشکی، رشته علوم دامپزشکی و در گروه علوم انسانی، رشته روانشناسی در مراتب اول هر گروه قرار دارند. وضعیت ارجاعات تولیدات علمی ایران به عنوان یکی از شاخص‌های اساسی و مهم در بررسی‌های علم‌سنجی نشان می‌دهد مجموع ۳۳۲۶ رکورد تولید علمی ایران، دارای ۹۹۳ ارجاع بوده‌اند.<sup>۲۷</sup>

بررسی تولید علمی ایران طی ربع قرن پایانی سده بیستم میلادی، نشان می‌دهد که تا قبل از انقلاب، این روند یک روند افزایشی بوده است. با وقوع انقلاب و جنگ تحمیلی، این روند به طور محسوسی سیر نزولی یافته و در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی به نقطه حزیض خود رسیده است. پس از خاتمه جنگ، با استفاده از تجربیات ارزشمند حاصل از جنگ و توجه بیشتر به امر تحقیق و توسعه، روند مذکور، مجدداً سیر صعودی یافته و پس از حدود بیست سال به نقطه‌ای که هنگام وقوع انقلاب داشت، رسید. آهنگ رشد این روند، بسیار چشمگیر و امیدوارکننده بوده و اگر همچنان ادامه یابد، ایران طی ۲۰ سال آتی به قدرت علمی منطقه تبدیل خواهد شد.<sup>۲۸</sup>



توزیع سالیانه مقالات ایرانی طی سالهای 1975 الی 2002

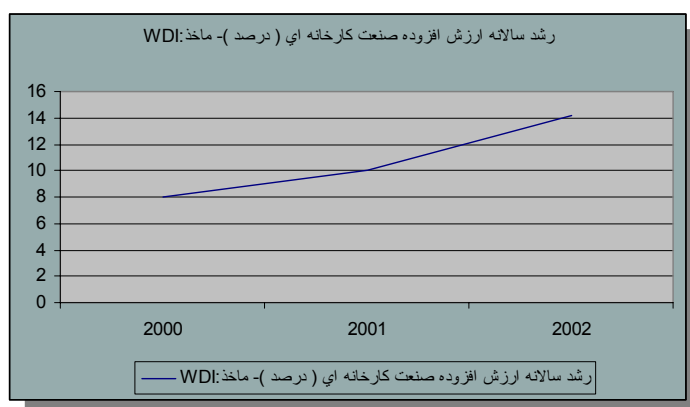


دست‌آوردهای سه دهه تلاش

نمودار شماره ۷: تعداد مقالات علمی چاپ شده محققان ایرانی در مجلات معتبر بین‌المللی<sup>۲۹</sup>

● در خصوص رشد سطح تخصص در کشور باید اشاره نمود کشوری که در سال ۱۳۵۶ با ۳۳ میلیون جمعیت، نیازمند ورود پزشک از خارج (کشورهایی همچون هند، بنگلادش و پاکستان و...) بود، هم اکنون با جمعیتی بیش از دو برابر، پزشک مازاد دارد و خود به دیگر کشورها پزشک صادر می‌کند.

● در بخش صنعت، کشوری که قبل از انقلاب، تقریباً تمامی کالاهای صنعتی خود را از خارج وارد می‌کرد و محدود کالاهای ساخت داخل آن نیز عموماً از کیفیت و مرغوبیت پایینی برخوردار بود، هم اکنون در اکثر زمینه‌ها خود به تولیدکننده تبدیل شده است و تولیداتش نیز در بسیاری از موارد، از جهت کیفیت و استاندارد قابل رقابت با مشابه خارجی می‌باشد و در برخی از صنایع (همچون صنایع ساختمانی) به مرز خود اتکایی کامل رسیده است.



نمودار شماره ۸: رشد سالانه ارزش افزوده صنعت ایران<sup>۳۰</sup>

- در زمینه کشاورزی و دامداری نیز براساس آمار رسمی دولت در سال ۱۳۵۶، دولت ایران فقط توانایی تأمین مواد غذایی مردم خود را برای ۳۳ روز داشت و مجبور بود باقی مواد غذایی مورد نیاز را از خارج وارد کند. برای مثال، مرغ از فرانسه، تخم مرغ از اسرائیل، سیب از لبنان، پنیر از دانمارک و... وارد می شد، لکن هم اکنون علی رغم دو برابر شدن جمعیت، بیش از ۳۰۰ روز در سال مواد غذایی خود را در داخل تأمین می کند و در اکثر زمینه ها خود اتکا شده است. در سال ۱۳۷۲ سرانه تولید گندم ۱۳۲ کیلوگرم بود که به ۱۷۶ کیلوگرم در سال ۱۳۸۲ ارتقا یافت. سرانه تولید برنج نیز از ۲۴ کیلوگرم در سال ۷۲ به ۲۷ کیلوگرم در سال ۸۲ افزایش یافت و سرانه تولید خرما از ۴ کیلوگرم در سال ۷۲ به ۸ کیلوگرم در سال ۸۲ رسید. سرانه مرکبات نیز از ۱۵ کیلوگرم به ازای هر فرد در سال ۷۲ به ۱۹ کیلوگرم در سال ۸۲ رسید. همچنین در سال ۸۲ حدود ۳۷ میلیون رأس گوسفند، ۲۰ میلیون رأس بز و ۶ میلیون رأس گاو، شمارش شده است. تولید شیر نیز در این سال حدود ۶ میلیون تن بوده که تولید سرانه ۹۱ کیلوگرمی را نشان می دهد.<sup>۳۱</sup>
- از دیگر موارد قابل اشاره، موفقیت بسیار چشمگیر در مبارزه با مواد مخدر و سوداگران مرگ می باشد. براساس آمارهای بین المللی، بیش از ۸۰ درصد مواد مخدر مکشوفه در سطح جهان در مرزهای ایران کشف و منهدم می گردد که به همین جهت نیز ایران چندین بار از سوی مجامع جهانی مورد تقدیر قرار گرفته است.



## افزایش قدرت نظامی ایران

در حیطه نظامی نیز، در حالی که قبل از انقلاب، تقریباً تمام تسلیحات نظامی کشور از خارج وارد می‌شد، هم‌اکنون نه تنها این نسبت تقریباً معکوس شده، بلکه ایران در زمره یکی از تولیدکنندگان درجه دوم تسلیحات نظامی در جهان قرار گرفته و تولیدات خود را به بیش از ۳۷ کشور جهان صادر می‌کند.

از نظر صنایع دفاعی، آن چه قبل از انقلاب تولید می‌شد، صرفاً سلاح‌ها و مهمات سبک بود که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به تولید فشنگ‌های سبک و نیمه سنگین تیربار ۳، اسلحه ژ ۳ و فشنگ سلاح‌های کمری محدود می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب، شرایط متحول شد و تحولات چشمگیری، خصوصاً در مقطع جنگ تحمیلی پدید آمد. جنگ، واقعیت‌هایی را تحمیل می‌کرد که نتیجه آن، شکل‌گیری صنایع دفاعی بود. بسیاری از سلاح‌هایی که قبل از انقلاب نه تولید می‌شد و نه اجازه تولید آن را می‌دادند از رهگذر جنگ و تحریم اقتصادی و با مهندسی معکوس در داخل کشور شکل گرفت و هر قدر فشارها بیشتر شد، خودباوری صنعت دفاعی، بیشتر متبلور گردید. هم‌اکنون جمهوری اسلامی از بزرگ‌ترین توان و قدرت بازدارندگی موشکی منطقه برخوردار است که از یک طرف، بومی و از سوی دیگر، تحت اختیار نیروهای داخلی قرار دارد و با هزینه ای اندک فراهم شده است.

## توان موشکی

صنایع و توان موشکی ایران در شرایطی شکل گرفت و تکامل یافت که امنیت ملی جمهوری اسلامی در معرض تهدید قرار گرفته بود. در واقع از همان زمانی که موشک‌هایی از سوی رژیم بعث به سوی شهرهای ایران سرازیر شد، این تفکر در متخصصان صنایع دفاعی کشور پدید آمد که باید به خواسته به حق مردم برای شکل دهی صنعت بسیار پیچیده موشک‌سازی پاسخ گویند.

## معرفی برخی از تولیدات صنایع موشکی

موشک شهاب ۳: (برد ۲۵۰۰ کیلومتر / درصد خطا ۲ در ۱۰۰۰۰)

موشک فاتح ۱۱۰: (یکی از دقیق‌ترین موشک‌های موجود در داخل کشور با سوخت

جامد)



موشک توفان: (یکی از پیشرفته ترین موشک‌های ضدزره با عمق نفوذ ۷۶۰ میلیمتر و برد ۳۸۵۰ متر و دارای سیستم ضد جمینگ تا دشمن نتواند آن را منحرف سازد و مجهز به سیستم دید در شب و قابل شلیک از بالگردهای کبرا) موشک تندر: (طراحی شده جهت مقابله با زره های واکنش گر) راکت صاعقه: (طراحی شده جهت نابودی نفرات دشمن و دارای ۴۰ میلیمتر طول می باشد. اهمیت این راکت به جهت برد، مقدار ترکش‌ها و قدرت انفجاری آن بوده و پرواز آن در هوا بدون صدا است) موشک صیاد ۱ و ۲: (که جهت نابودی بمب‌افکن‌ها و هواپیماهای شناسایی دشمن طراحی شده و زمین به هوا می باشد و به تولید انبوه رسیده است) موشک شهاب ثاقب: (موشک سطح به هوای شهاب ثاقب موشکی کوتاه برد جهت دفاع ضد هوایی در ارتفاع پایین و بسیار پایین بوده و دارای ردیاب و سیستم هدایت فرماندهی و کنترل بیسیم است. این موشک دارای سر جنگی ۱۴ کیلوگرمی و ماسوره زمانی «ایر» می باشد که درصد خطای آن ۴ درصد است. موشک میثاق ۱ و ۲: (این موشک نمونه مدرنیزه شده استینگر است که از روی شانه پرتاب می شود و دارای سیستم هومینگ غیرعامل مادون قرمز با قابلیت تهاجمی در تمامی جهات است) موشک کروز: (طراحی شده جهت استفاده در هواپیما و شناورها که بر روی شناورهای ذوالفقار ۱۴۰۰ و ذوالجناح نصب می شود. این شناورها با سرعت ۹۰ کیلومتر در ساعت حرکت کرده و همزمان اقدام به شلیک موشک می کنند).

### افق صنایع موشکی

هم‌اکنون متخصصان داخلی به دنبال آن هستند که دفاع موشکی دوگانه ای درست کنند که دارای نواخت تیر بالا باشد تا ابری از آتش بر روی دشمن ایجاد کند. در سطح ملی، هم‌اکنون به دنبال طراحی ماهواره ملی «سپهر» با سیستم رانش ماهواره هستند. هم‌اکنون ایستگاه گیرنده زمینی سپهر و پردازش تصاویر ماهواره ای با توان تهیه و توزیع انواع تصاویر ماهواره‌ای و هوایی مشغول فعالیت است. ماهواره سپهر ۴۹ کشور را تحت پوشش قرار می دهد که با آن می‌توان با قدرت تفکیک ۵ متر تصویر تهیه کرد. این ماهواره در حقیقت چشم ایران در منطقه خواهد بود. ارسال ماهواره امید به فضا توسط

موشک سفیر ۲ که در نیمه بهمن سال جاری صورت پذیرفت نیز دلیل بی چون چرایی است بر پیشرفتهای ایران در این زمینه که باعث شد ایران به ۸ کشور دارنده این فناوری در دنیا بپیوندد.

### تحولات دفاعی در بخش زمینی

در بخش زمینی، انواع و اقسام مهمات سبک و سنگین در کشور تولید می‌شود. در واقع، مهماتی نیست که نیاز داشته باشیم و نتوانیم در داخل تولید کنیم. اورهال کلیه تانک‌های غربی و شرقی و تولید انواع تانک و نفربر که نمونه بارز آن تانک‌های پیشرفته «ذوالفقار ۱ و ۲ و ۳» با زره واکنش‌گر می‌باشد، از دیگر قابلیت‌هایی است که طی دو دهه اخیر به دست آمده است.

نفربر شنی‌دار آبی - خاکی «براق» نمونه دیگری از این تولیدات است که حفاظ زرهی مناسب و تحرک بسیار خوب و استفاده از پدافند «ش.م.ه»، آن را از دیگر نفربرهای مشابه خود متمایز ساخته است.

تولید انواع توپ‌های کششی و خودکششی و هویترز.

تولید مین کوب «تفتان» که با خرج گود تا ۱۰ کیلوگرم تی ان تی را پاکسازی می‌کند و تا عمق ۲/۵ متر پایین می‌رود و عرض معبر پاکسازی آن ۳ متر بوده و دارای سیستم کنترل از راه دور می‌باشد.

تولید انواع خودروهای تاکتیکی دو دیفرانسیل و خودروهای تجاری (زرین خودرو).

تولید سلاح ملی انفرادی «خیبر» با طراحی کاملاً جدید که خشاب آن در عقب قرار دارد و موجب می‌شود سلاح، سبکتر شده و جزو مدرن‌ترین سلاح‌های انفرادی می‌باشد.

و...

### بخش الکترونیک

سیاست کلی وزارت دفاع، این است که تمام تجهیزات و ملزومات موجود با الکترونیک آمیخته شود. از این طریق دقت، سرعت و قابلیت سلاح‌ها ارتقا خواهد یافت. خودکفایی در تولید بی‌سیم‌های رایج نیروهای مسلح و بی‌سیم‌های جهش فرکانسی و سیستم‌های اپتیکی و شنود زیر آبی، تلفن‌های زیر آبی و سونار (دستگاهی برای شناسایی سلاح‌های زیر آب) نیز از این نوع خودکفایی‌ها می‌باشند.

صنعت میکروالکترونیک و اپتوالکترونیک در صنایع دفاع، پایه گذاری شده و در خدمت صنایع هوایی قرار دارد. ساخت سیستم راداری D-M-3b که قادر به ردیابی و هدایت موشک‌های مهاجم است.

### پیشرفت‌های بخش دریایی

ایران در این بخش، استراتژی قایق‌های تندرو را دنبال کرده است. شناورهای موشک‌انداز طراحی شده، باعث تحولی چشمگیر در این بخش شده اند. شناورها اعم از سطحی و زیر سطحی و شناورهای لجستیکی در مدل‌های مختلف طراحی و ساخته شده اند.

صنایع دریایی ایران از نوع صنایع ترکیبی است. یعنی شناور، سیستم‌های الکترونیکی و سلاح‌هایی مثل تیربار و موشک هر کدام در جای جداگانه ساخته و در یک جا مونتاژ می‌شوند. زیر دریایی‌های «السباحات» نمونه‌ای از این اقدامات است.

تولید قطعات ساختاری، پنل‌های ساندویچی، انواع لوله‌های مختلف هیدرولیکی و هواناوهای «یونس ۶» و «یونس ۲۲» طراحی شده است. در همین رابطه، اولین «لندین کرافت» سنگین برای سازمان بنادر و کشتیرانی در وزارت دفاع ساخته شده است. نکته‌ای که حائز اهمیت می‌باشد، این است که به دلیل پیشرفت‌های قابل توجه و چشمگیر در بخش‌های دریایی، ضربه‌پذیری دشمن در دریا بسیار بالاست و به همین دلیل، احتمال حمله دشمن قبل از تخلیه کامل خلیج فارس و دریای عمان، بسیار بعید است

### پیشرفت در صنایع هوایی

متخصصان هوایی ایران هم اکنون بر روی کلیه هواپیماهای تجاری و نظامی در حال پژوهش بوده و قادرند تمام این هواپیماها و بالگردها را اورهال و تعمیر اساسی کنند. چنین توان‌مندی‌ای در کل منطقه، بی نظیر است. حتی توانایی اورهال هواپیماهای پهن پیکر ایرباس و بوئینگ نیز در ایران وجود دارد. آشیانه فجر وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، بزرگترین سازه فلزی است که تاکنون در کشور و خاورمیانه ساخته شده است و همزمان ۸ تا ۱۲ هواپیمای پهن پیکر می‌توانند در آن قرار گیرند.

با توجه به این که قطعه سازی در صنایع هوایی حرف اول را می‌زند، قبل از انقلاب



اسلامی هیچ کاری در این زمینه انجام نشده بود. کارخانه «بل» ایجاد شده بود و تنها در حد چک‌های اولیه بر روی بالگردها انجام می‌شد. هم‌اکنون شرکت «پنها» هم هلیکوپترهای «شباویز» و هلیکوپترهای «شاهد» را تولید می‌کند و هم تعمیرات اساسی و سنگین را انجام می‌دهد.

در طراحی هواپیماهای بدون سرنشین پیشرفته، صنایع هوایی ایران موفق شده‌اند هواپیماهای «بابیل»، «مهاجر ۱ و ۲ و ۳ و ۴»، «هدهد» و «صاعقه ۱ و ۲» را تولید کنند. این هواپیماها با هزینه بسیار پایین و تکنولوژی روز ساخته شده‌اند.

هواپیمای بدون سرنشین مهاجر با کاربرد مراقبت هوایی، شناسایی، جنگ الکترونیکی، رله ارتباطی، دیده بانی، هدف یابی، هدایت آتش توپخانه، کنترل نوار مرزی جهت مبارزه با قاچاقچیان، کنترل ترافیک شهری و عکسبرداری جهت تهیه نقشه‌های جغرافیایی است که می‌توانند سلاح‌های کوچک را حمل و پرتاب کنند.

در زمینه هواپیماهای جنگی نیز هواپیمای جت پیشرفته اینتگرال، طراحی شده و در زمینه بالگردهای هجومی و ترابری نیز ۹ مورد در داخل تولید می‌شود. هواپیمای ایران ۱۴۰ که در نوع خود پیشرفته‌ترین است، یکی از این هواپیماها محسوب می‌شود.

یکی دیگر از تولیدات، ساخت شیشه و لاستیک هواپیما می‌باشد که ایران را در زمره ۸ کشور تولید کننده آن قرار می‌دهد.

هم اینک به جرأت می‌توان گفت که ایران در منطقه حرف اول را می‌زند و هوانیروز آن در دنیا در رده ۱۰ کشور برتر قرار دارد و از لحاظ موشکی و... در منطقه بی‌نظیر است. اما قدرت اصلی جمهوری اسلامی ایران در سخت افزارهای نظامی آن نیست، بلکه قدرت اصلی آن، پشتوانه و قدرت مردمی آن است. در جنگ تحمیلی هم توان سخت افزاری دشمن برای او، پیروزی ایجاد نکرد؛ در مقابل، ایران با توان بسیار پایین سخت افزاری و توان بسیار بالای نیروهای مردمی پیروزی شد.<sup>۳۲</sup>

### تحول در حوزه فرهنگی

• در حوزه هنری و فرهنگی، یکی از موارد قابل اشاره، سینمای ایران است که به اذعان تمامی صاحب‌نظران، قبل از انقلاب به هیچ وجه در دنیا مطرح نبود و به حساب نمی‌آمد، لکن امروزه به عنوان یکی از جذاب‌ترین، صاحب سبک‌ترین و جزو چند سینمای مطرح جهان قرار دارد و در صنعت دوبلاژ نیز جزو سه کشور اول دنیا است.



• یکی از شاخص‌های متعارف رشد در جوامع در حال توسعه، کاهش نرخ رشد جمعیت و کنترل موالید است. در این خصوص، کشور ما دو دوره را طی کرده است: الف) دوره افزایش سریع و فوق العاده نرخ رشد جمعیت با شاخص  $3/2$  درصد (بین سال‌های ۵۸ تا ۶۸) ب) دوره کاهش سریع و فوق العاده نرخ رشد جمعیت با شاخص  $1/2$  درصد (از سال ۶۸ تا کنون)

در سال ۱۳۶۵ پس از آن که اولین سرشماری جمعیت کشور صورت پذیرفت و نتایج آن در سال ۶۶ ارائه گردید، مسئولان نظام، متوجه نرخ رشد بالای جمعیت شدند. (تا قبل از آن نیز کشور در شرایطی نبود که بتواند برای این مسائل، طرحی ارائه کند). پس از اطلاع از این امر، اقدامات پیشگیرانه و جبرانی متعدد صورت پذیرفت که نتیجه آنها کاهش نرخ رشد جمعیت از  $3/2$  درصد در سال ۶۸ به  $1/2$  درصد در سال ۱۳۸۱ بود.<sup>۳۳</sup> به عبارت دیگر در این فاصله، نرخ رشد جمعیت حدود  $2/5$  برابر کاهش یافت و همین امر نیز موجب تقدیر سازمان بهداشت جهانی از ایران به عنوان یکی از موفق ترین کشورها در امر کنترل جمعیت گردید. به گونه‌ای که نماینده این سازمان، اتفاق مزبور را پدیده‌ای غیرقابل تصور خواند.

### عوامل مؤثر بر قضاوت نسبت به وضع موجود

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود، این است که چرا علی‌رغم وجود این دست‌آوردها و تلاش‌های غیرقابل انکار از سوی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ضریب نارضایتی در جامعه ما در سال‌های اخیر افزایش یافته و عده بسیاری از مردم و حتی نخبگان از وضعیت موجود اظهار نارضایتی می‌کنند؟! در پاسخ باید به عوامل متعددی که در نارضایتی جامعه و قضاوت منفی آنان در این دوره دخیل بوده اشاره کرد، برخی از این عوامل عبارتند از:

تغییر الگوی مصرف جامعه و بهبود نسبی سطح زندگی مردم به خصوص پس از دهه دوم انقلاب که به تدریج باعث افزایش سطح انتظارات آنان گردیده است. افزایش چشمگیر سطح آگاهی‌های اجتماعی و اقتصادی احاد افراد جامعه، پس از انقلاب و در نتیجه، توجه بیشتر آنان به نقاط ضعف و نارسایی‌های وضع موجود به جای نقاط قوت آن.



حاکمیت فرهنگ غلط «انتظار رفع همه مشکلات جامعه از سوی دولت» در جامعه ایران که خود، ضریب نارضایتی را افزایش داده است.

کاهش شدید درآمد سرانه نفتی کشور تا قبل از سال ۲۰۰۳ و ایراد خسارت‌های هنگفت به کشور به دلیل تحمیل جنگ در سال‌های بعد از انقلاب که در توان و عملکرد کارگزاران دولت، مؤثر بوده است.

عدم توجیه مردم در خصوص سیاست‌های اقتصادی نظام از سوی مسئولان و عدم انعکاس مناسب دست‌آوردها و آمارهای دقیق، شفاف و تطبیقی از بیلان کاری و ابعاد اقدامات و تلاش‌های صورت پذیرفته در مقایسه با قبل از انقلاب و کشورهای دیگر. فضا سازی و فعالیت گسترده سوء تبلیغاتی مخالفان داخلی و خارجی انقلاب و نظام در بزرگنمایی مشکلات.

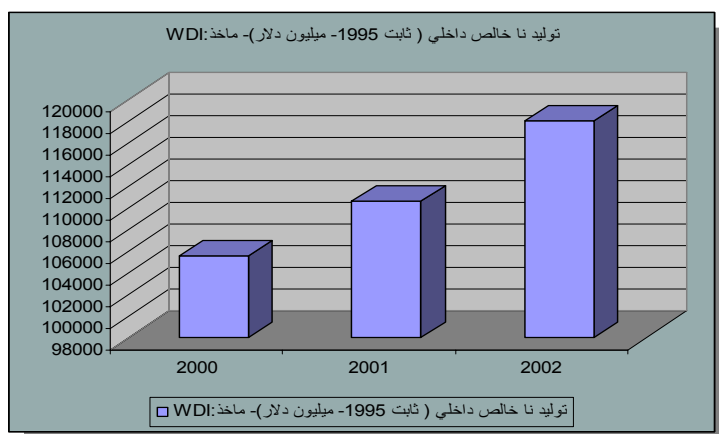
برخی از موارد سوء مدیریت و سوء عملکرد از سوی برخی مسئولان و کارگزاران نظام و تعمیم آن به کلیت مسئولان از سوی مردم.

از دیدگاه اقتصاد ملی، افول اقتصادی بعد از انقلاب، نفس گیر است. به خصوص اگر رشد سریع اقتصادی پیش از آن را نیز در نظر بگیریم. پسرقتی چنین عظیم در دوره ای به این کوتاهی در تاریخ جهان مدرن بی نظیر است. ولی تأثیر چنین سقوط وحشتناکی بر استانداردهای زندگی، بسیار کمتر از این احساس شده است. بر اساس داده‌های درآمد ملی، رشد مصرف شخصی در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵، ۴٫۵ درصد بوده که حدود ۲ درصد کمتر از رشد سرانه تولید ناخالص ملی و در ۱۳۶۷ فقط ۲۳٪ کمتر از اوج آن در ۱۳۵۵ بوده است. رشد مصرف سرانه در سال‌های بین ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، ۴٫۶٪ یعنی در حد رشد سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ می‌باشد. در سال ۱۳۸۳ مصرف سرانه از سطح آن در دهه ۱۳۵۰ فراتر رفت، سرانه تولید ناخالص ملی به اوج سال ۱۳۵۵ نزدیک شد و فقر کمتر از سال ۱۳۵۵ گردید.

با توجه به این شواهد، سه نکته قابل تأمل است. نخست این که کمترشدن فقر در سال ۱۳۸۳ از سال ۱۳۵۳ بدون افزایش سرانه تولید ناخالص ملی صورت گرفته که اگر نشانه کاهش نابرابری نباشد، لااقل گواهی بر بهبود موقعیت فقرا در طول ۳۰ سال گذشته است.

دوم این که با وجود بهبود سرانه تولید ناخالص ملی و افزایش مصرف شخصی در سال‌های اخیر، خاطره روزهای سخت دهه ۱۳۶۰ هنوز سبب می‌شود در مقایسه

استانداردهای زندگی پس از انقلاب با دوران پیش از آن بزرگنمایی شود.

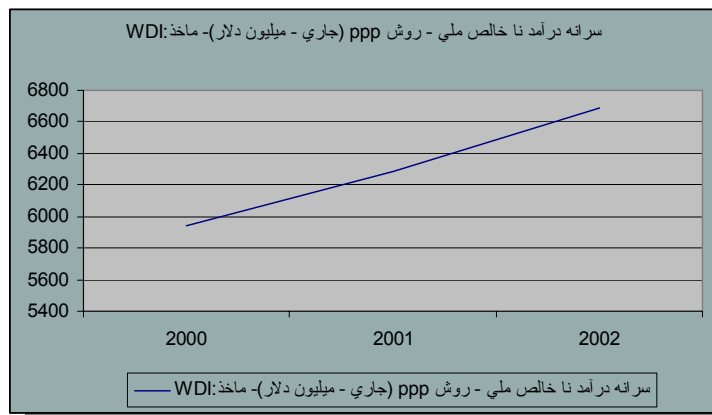


نمودار شماره ۹: تغییرات تولید ناخالص داخلی ایران در سال‌های نخست قرن بیست و

یکم ۳۴



سومین نکته، این که اقتصاد روستایی به شکل قابل ملاحظه‌ای از تغییرات اقتصادی سایر نقاط کشور در امان بوده است. طی این سال‌ها اقتصاد شهری نوسان‌های زیادی را تجربه کرده، اما یک خانوار متوسط روستایی، نه بهبود دهه ۱۳۵۰ را مستقیماً تجربه کرده و نه افول دهه ۱۳۶۰ را. در عوض، اقتصاد روستایی در طول یک نسل تماماً دچار رکود بوده که البته هرگز خیلی شدید نبوده است. بهبود مصرف روستاییان از اواسط دهه ۱۹۹۰ به آهستگی شروع شد و در فاصله سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ شتاب گرفت. در این دوره، همزمان با اجرای برنامه سوم توسعه، مصرف روستایی در حد مصرف شهری یعنی ۶,۷ درصد در سال رشد داشته است. با وجود توازن رشد در سال‌های اخیر، در طول دوره بعد، یعنی از جنگ تحمیلی تاکنون، شکاف بین مناطق روستایی و شهری گسترش یافته است. به نظر می‌رسد این شکاف در دوره‌های افول اقتصادی، مثلاً اواسط دهه ۱۳۶۰، کاهش و در دوره‌های رونق اقتصادی، مثلاً بعد از پایان جنگ، افزایش داشته است. نسبت مصرف روستایی به شهری در سال ۱۳۵۳ یعنی پررونق‌ترین سال، به کمترین مقدار خود یعنی ۰,۴۵ رسید و در سال ۱۳۶۸ هم که بیشترین مقدار آن در سی سال گذشته بود، همچنان اندک ماند. این نسبت در سال‌های اخیر نیز شاهد نوسان‌هایی در حدود ۰,۵ بوده است. گسترش شکاف میان روستا و شهر در سال‌های رشد اقتصادی، ممکن است به سبب مهاجرت کارگران روستایی به شهرها و ماندن خانواده‌های کم درآمد در روستا بوده باشد.



نمودار شماره ۱۰: روند تغییر سرانه در آمد ناخالص ملی ایران

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق، روند تغییرات درآمد سرانه و درآمدها و هزینه‌های فردی مورد بحث قرار گرفت. بر این اساس، داده‌های اقتصاد کلان موجود و نتایج حاصل از پیمایش خانه به خانه، مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شد که رفاه اقتصادی، به طور متوسط افزایش یافته است. این یافته‌ها زمینه را برای مقایسه فقر و نابرابری در گفتارهای بعدی همین بخش فراهم می‌کنند. در ادامه، وضعیت بین‌المللی فقر و نابرابری، مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده می‌شود که موقعیت ایران نسبت به همتایانش، کاملاً مطلوب است.

با توجه به آن چه گفته شد، این نتیجه، حاصل می‌گردد که کارنامه عملکرد نظام جمهوری اسلامی و کارگزاران آن، با توجه به تغییر عمده شرایط و فراز و نشیب محسوس درآمدهای ارزی کشور در سال‌های پس از انقلاب با عنایت به حجم کارهای انجام شده، مصداق کارآمدی نسبی است و عدم تحقق کامل برخی اهداف و آرمان‌ها می‌تواند از نشانه‌های ضعف و وجود درصدی از ناکارآمدی در عملکرد کارگزاران نظام تلقی گردد.

مهم‌ترین نتیجه‌ای که از بحث فوق، حاصل می‌شود، این است که ارزیابی کارنامه نظام جمهوری اسلامی می‌تواند بنا به نگرش ما به مفهوم کارآمدی<sup>i</sup> متفاوت باشد. از این

رو:

اگر کارآمدی را برآیند عملکرد یک مجموعه نسبت به امکانات آن بدانیم، در این صورت با توجه به شواهد و ادله پیش گفته، کارنامه عملکرد کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در اکثر عرصه‌های توسعه یافتگی مبین موفقیت و کارآمدی آنان است.

لکن از سوی دیگر، این عملکرد به دلایلی همچون:

۱. عدم یا ضعف نگرش جامع و راهبردی به مقوله توسعه در ابعاد مختلفش، همچون اقتصاد، سیاست و فرهنگ؛

۲. عدم اتخاذ الگوی مناسب مبتنی بر ارزش‌ها و قابلیت‌های اجتماعی و فرهنگ بومی

(اسلامی و ایرانی)

یا به عبارت دیگر، به دلیل در پیش گرفتن سیاست «توسعه نامتوازن»، موجب ایجاد ناهم‌آهنگی‌هایی در تنظیم اهداف، نارسایی‌هایی در تخصیص منابع و امکانات، اختلالاتی در روابط اجتماعی و به تبع آنها، نارضایتی‌هایی در میان گروه‌هایی از جامعه شده است که این امر، مبین درصدی از ضعف و ناکارآمدی کارگزاران نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. در واقع، اگر مقصود و تعریف ما از کارآمدی، تخصیص بهینه امکانات در جهت دست یابی به اهداف تعیین شده برای تحقق الگویی مطلوب از یک جامعه دینی، انقلابی و انسانی برخوردار از تمام یا اکثر مواهب مادی و معنوی باشد، در این صورت، تا تحقق آن آرمانها فاصله‌ی بسیار داریم. لذا ضروری است برای رسیدن به آن وضعیت، ضمن نقد وضع موجود، به علت یابی مشکلات و بررسی دلایل عدم تحقق برخی اهداف و آرمانها بپردازیم و متعاقب آن با ارائه راهکارها و پیشنهادهای، برای رفع آنها اقدام کنیم.



1. Mohammad Jalal Abbasi-Shavazi, Amir Houshang Mehryar, G. J. and P. McDonald (2002). Revolution, war and modernization: Population policy and fertility change in Iran. *Journal of Population Research* 19 (1).
2. Salehi-Isfahani, D. (2006). Revolution and redistribution in Iran: inequality and poverty 25 years later. Working paper, Department of Economics, Virginia Tech, pp : 117-147.
3. Pesaran, M. H. (1978). Income distribution and its major determinants in Iran. In J. A. Jacqz (Ed.), *Iran: Past, Present and Future*. New York: Aspen Institute for Humanistic Studies p.: 34.
4. Assadzadeh, A. and S. Paul (2004). Poverty, growth, and redistribution: a study of Iran. *Review of Development Economics*. pp: .: 25-46.
5. United Nations (2003). United Nations common country assessment for the Islamic Republic of Iran. Technical report, United Nations, New York.
6. Salehi-Isfahani, D. (2005). Human resources in Iran: potentials and challenges. *Iranian Studies* 38 (1).
7. Salehi-Isfahani, 2005: 117-147.
8. Ibid.
9. Yousef, T. (2004). Employment, development and the social contract in the Middle East and North Africa. Technical report, Washington, D.C.
10. Salehi-Isfahani, 2005: 117-147.
11. Mojtahed, A. and H. S. Esfahani (1989). Agricultural policy and performance in Iran: The post-revolutionary experience. *World Development* 17, pp: 839-860.
12. Pesaran, M. H. (2000). Economic trends and macroeconomic policies in post-revolutionary Iran.

۱۳. همان.

14. Mehran, F. (1975). Income distribution in Iran: The statistics of inequality. Working papers no. 30, Geneva.
15. Behdad, S. (2000). From populism to economic liberalism: The Iranian predicament. In P. Alizadeh (Ed.), *The Economy of Iran: Dilemmas of an Islamic State* pp: 100-141.
16. Behdad, S. (1989). Winners and losers of the Iranian Revolution: A study in income distribution. *International Journal of Middle East Studies*

21(3).

۱۷. جواد صالحی اصفهانی، فقر و نابرابری ۲۵ سال پس از انقلاب چشم انداز ایران، شماره ۴۳

اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۶.

18. Salehi-Isfahani, D. (2006). Revolution and redistribution in Iran: inequality and poverty 25 years later. Working paper, Department of Economics, Virginia Tech, p : 137.

۱۹. محمد اسماعیل اکبری، شاخصهای سلامتی در ج.ا.ایران، معاونت سلامت وزارت بهداشت،

درمان و آموزش پزشکی (تهران: تابستان ۱۳۸۲) ص ۶.

۲۰. همان، ص ۵.

۲۱. همان، ص ۶.

۲۲. همان.

۲۳. نامه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به مقام معظم رهبری در تاریخ ۸۱/۱۰/۳۰ به شماره

۹/۱۳۵۶۰.

۲۴. همان.

25. [http:// access. Isiproducs. Com/ trials.](http://access.isiproducs.com/trials)

۲۶. سکینه، انصافی، حسین، غریبی، [http:// www. nrisp. ac. Ir / index. Php ?](http://www.nrisp.ac.Ir/index.Php)

slc\_lang = fa & sid = 10

۲۷. همان.

۲۸. نجف لک زایی، محسن مرادیان، ضرورتها و ظرفیتهای تحقق سند چشم انداز، دانشگاه عالی

دفاع ملی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۵.

۲۹. رضا منصوری، توسعه علمی ایران (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۲) ص ۹۳.

۳۰. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵.

31. [http://rasanic.com/rocket.](http://rasanic.com/rocket)

۳۲. محمد اسماعیل اکبری، شاخصهای سلامتی در ج.ا.ایران، معاونت سلامت وزارت بهداشت،

درمان و آموزش پزشکی (تهران: تابستان ۱۳۸۲) ص ۶.

۳۳. مرکز آمار ایران؛ ۱۳۸۵.

۳۴. همان.

